

بررسی جان‌پناه‌های کاشی بناهای دوره تیموری و ترکمانان استان یزد بر اساس طرح و نقش هندسی

چکیده

استان یزد در دوران تیموری و ترکمانان، شاهد نمونه‌های منحصر به فردی از تزیینات کاشی کاری با عنوان جان‌پناه‌ها است. اجزا معماری که به فراوانی از ابنیه استان یزد، به دست آمده است و می‌توان ردپایی از سبک محلی/منطقه‌ای را در آن جستجو نمود. بنابراین مقاله حاضر، به معرفی و طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی به کار رفته، در ابنیه دوران مذکور در استان یزد، بر اساس طرح و نقش هندسی، می‌پردازد. همچنین بر آن است تا بر این اساس، به بخشی از ویژگی‌های سبک محلی/منطقه‌ای تزیینات کاشی کاری در یزد دست یابد. از این رو، پرسش اصلی پژوهش را می‌توان چنین مطرح نمود: رایج‌ترین طرح‌ها و نقوش هندسی جان‌پناه‌های کاشی بناهای دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، کدام هستند؟ روش یافته‌اندوزی بر اساس پژوهشی میدانی و با استناد به منابع مکتوب انجام شده که به روش توصیفی-تحلیلی، به تحلیل داده‌های به دست آمده از نمونه‌های مطالعاتی می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که جان‌پناه‌های کاشی عصر تیموری و ترکمانان استان یزد را، از لحاظ نقوش هندسی مرکز/زمینه به دو گروه عمده «شش ضلعی منتظم» و «شش و شمسه ترنج دار»، می‌توان طبقه‌بندی نمود. حاشیه‌ها با طرح‌ها و نقوش هندسی مانند، «ساده و بدون نقش»، «چهار لنگه و بیضی» و «شش و تکه» به اجرا درآمده‌اند. گروه «شش ضلعی منتظم» رایج‌ترین نقش هندسی است که در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها و گروه «شش و تکه» پرکاربردترین نقشی است که در اغلب حاشیه‌های اطراف جان‌پناه‌ها، مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، در ابنیه استان یزد، علاوه بر کاربرد جان‌پناه‌های کاشی، مشابهت‌های بسیاری در طرح‌ها و نقوش هندسی در مرکز/زمینه و حاشیه آنها وجود دارد که در دیگر استان‌ها/مناطق موجود نیست و می‌توان ادعان داشت که به عنوان ویژگی‌هایی است که آنها را از سایر نواحی کشور متمایز می‌کند و حاکی از سبکی محلی/ منطقه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: دوره تیموری و ترکمانان، جان‌پناه کاشی، طرح و نقش هندسی، استان یزد، سبک محلی

گاهی مشابهتهایی میان تزئینات کاشی کاری یک منطقه می توان مشاهده نمود که در سایر نواحی دیده نمی شود. استان یزد از جمله این مناطق به شمار می رود، به نحوی که وجوه اشتراکی به لحاظ استفاده از سازه جان پناه از یکسو و ویژگی های تزئینی نقوش هندسی آنها از طرفی دیگر، میان جان پناه های کاشی بنا های یزد در ادوار تیموری و ترکمانان^۱ دیده می شود. بنابراین، منبع اطلاعاتی بسیار ارزشمندی در باب سبک محلی هنرمندان سازنده و سبک منطقه ای آنها به شمار می آیند و می توان احتمال داد که این جان پناه ها، واجد یک سبک محلی هستند. جان پناه های کاشی متعددی، مربوط به دوران مذکور، از اماکن تاریخی استان یزد بر جای مانده است. بنابراین پراکندگی (یزد، اشکذر، تفت) و تعدد جان پناه های کاشی در منطقه یزد که به لحاظ کمی بیشترین درصد جان پناه های کاشی دوره تیموری و ترکمانان را در خود جای داده است، سبب گردیده تا شیوه یا سبک محلی در این منطقه شکل بگیرد که این مساله با توجه به نمونه های بر جای مانده در این استان و بررسی ویژگی های بصری آنها قابل توجیه است. حال اگر در جستجوهای انجام شده، این طرح ها و نقوش هندسی در مرکز/زمینه و حاشیه جان پناه ها تکرار شده باشد از این رو، می توان با قطعیت بیشتری درباره سبک محلی/ منطقه ای، یا شیوه رایج در این منطقه، اظهار نظر نمود. بدین جهت می توان به شناسایی و دسته بندی این دسته از تزئینات و نیز، شناخت سبک محلی در منطقه یزد، در برهه زمانی مورد مطالعه پرداخت. بنابراین، معرفی و طبقه بندی^۲ جان پناه های کاشی موجود در آثار تاریخی دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، از حیث طرح و نقش هندسی، هدف اصلی در پژوهش پیش رو است. در خلال بررسی نقش مایه های موجود در کاشی کاری ها، تکنیک اجرا، رنگ ها و غیره نیز، به اختصار آورده شده است. با بررسی و شناسایی بنا های مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان در سراسر کشور (۸۵ بنا و مجموعه)، تنها در ۱۰ بنای استان یزد، جان پناه کاشی یافت شد. در ادامه، پس از مروری اجمالی بر کاشی کاری دوره تیموری و ترکمانان در ایران، تعریف جان پناه، معرفی جامعه آماری و پراکندگی آثار دارای جان پناه های کاشی و مروری اجمالی بر تعریف سبک، به طبقه بندی جان پناه ها، از لحاظ نقش هندسی در مرکز/زمینه و سپس دسته بندی آنها در حاشیه پرداخته می شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش، از گونه تحقیقات توصیفی-تحلیلی است، که با رویکرد تاریخی و شیوه کیفی، به تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها، می پردازد. روش یافته اندوزی اطلاعات و داده ها، به شیوه اسنادی (کتابخانه ای) و مبتنی بر مشاهدات گسترده میدانی شامل بازدید از ۸۵ بنا و مجموعه مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان ایران است که از این میان، ۱۰ بنا دربردارنده جان پناه های کاشی دوران مذکور شناسایی شد. علاوه بر بازدید از ابنیه، تهیه تصاویر از جان پناه های کاشی و ترسیم خطی برخی نمونه ها با نرم افزارهای مختلف مانند کورل دراو، فتوشاپ و غیره صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جان پناه های کاشی دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، که شامل ۱۰ بنا است در برمی گیرد. از این رو، نخست یافته ها ارائه شده اند و سپس به معرفی و طبقه بندی جان پناه های کاشی بنا های این برهه زمانی، در استان یزد پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

تعدادی از منابع، در مورد جان پناه های کاشی بنا های استان یزد، مطالبی را به نگارش در آورده اند، اما هیچ کدام از مآخذ، به پژوهش مستقلی درباره جان پناه های کاشی دست نیافتند. در بیشتر منابع موجود، در خلال معرفی، مطالعه و بررسی تزئینات مختلف یک بنا یا مجموعه بنا ها، این دسته از تزئینات را نیز مطرح کرده و کمابیش آن را توضیح داده اند. یکی از مآخذی که در این زمینه می توان نام برد؛ «تاریخ یزد» تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری (۱۳۴۳) است که مربوط به دوره های گوناگون یزد تا عصر مؤلف (نیمه اول قرن نهم هـ.ق) است. قسمت هشتم کتاب، اطلاعاتی راجع به مساجد، منبرها، مدارس، بانیا و تاریخ آنها، ارائه می دهد. این کتاب اشاراتی به وجود جان پناه های کاشی در برخی بنا های شهر یزد مانند «مسجد جامع مصلی عتیق» یزد دارد. کتاب جامع و ارزشمند استاد ایرج افشار (۱۳۵۴) با عنوان «یادگارهای یزد» فهرستی از بنا های تاریخی شهرها و روستاهای مختلف استان یزد، ارائه نموده است. در منبع فوق، ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد هر بنا و تزئینات مختلف از جمله کاشی کاری، از جان پناه های کاشی ابنیه مربوط به دوره تیموری و ترکمانان نیز، ذکری به میان آمده است. کتاب «معماری دوره آل مظفر یزد با نگاهی به بنا های عصر اتابکان (ایلخانی و تیموری)»، اثر خادمزاده (۱۳۸۹)؛ که توجه خود را به آثار معماری تاریخی شهر یزد در دوره اتابکان، ایلخانان، آل مظفر و تیموریان اختصاص داده است. در معرفی هر بنا، توضیحاتی درباره تزئینات آنها، از جمله کاشی کاری ارائه گردیده است. در منبع مذکور نیز، به جان پناه های کاشی برخی از ابنیه ادوار مذکور، اشاره گردیده است. «مجموعه سلطان بُندَرآباد اشکذر یزد»، یکی از مجموعه های که در پایان نامه، مزیدی شرف آبادی (۱۳۹۷)، مورد توجه قرار

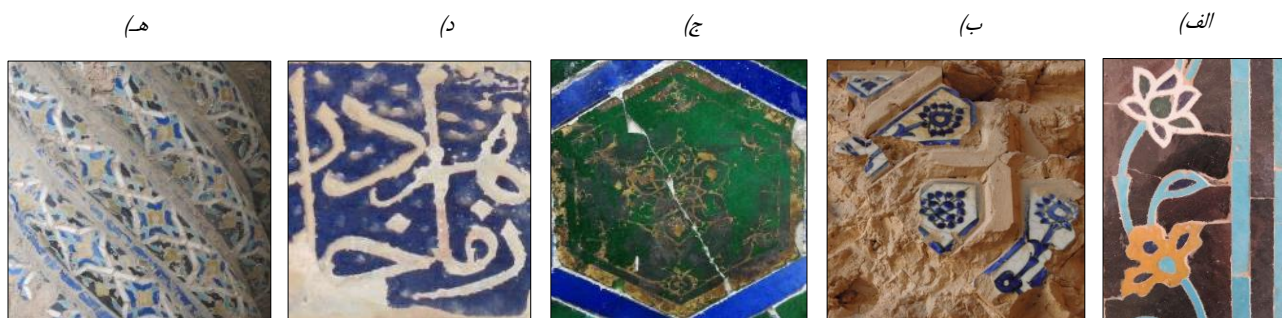
گرفته است. ایشان پس از ذکر مقدماتی درباره معماری و تزئینات دوره تیموری، در ادامه به معرفی مجموعه، متشکل از مسجد جامع، خانقاه، آرامگاه و بناهای جانبی دیگر و نیز تزئینات گوناگون آنها، پرداخته است. بخشی از این تزئینات، مربوط به کاشی است که در این راستا به گونه‌ای مختصر جان‌پناه‌های کاشی مجموعه نیز، معرفی گردیده است. پژوهشگرانی چون، ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴)، خاکباز الوندیان (۱۳۹۳) و غیره علاوه بر معرفی و توصیف کاشی‌کاری بناهای تاریخی دوره تیموری و ترکمانان، در حاشیه در مورد جان‌پناه‌های کاشی مباحثی را، مطرح نموده‌اند. با توجه به مطالعات صورت گرفته که به لحاظ موضوعی، با این مقاله تشابه داشتند، این نتیجه حاصل شد که هر کدام از این منابع، یک یا چند مورد از جامعه آماری مورد پژوهش را به گونه‌ای مختصر مورد بررسی قرار داده‌اند و منبعی که همه اماکن دارای این دسته از تزئینات را مورد مطالعه قرار داده باشد، مشاهده نمی‌شود. علی‌رغم حضور پُررنگ جان‌پناه‌های کاشی در بناهای دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، در منابع به طور کامل و مستقل، به طبقه‌بندی این دسته از تزئینات از حیث طرح و نقش هندسی پرداخته نشده است. همچنین عدم وجود تصاویر کافی و با کیفیت و نبود طرح‌های خطی، از جمله کاستی‌های موجود در زمینه مورد بحث است که بر ضرورت پرداختن به این موضوع، تأکید می‌نماید.

مبانی نظری پژوهش

۱- مروری اجمالی بر کاشی‌کاری دوره تیموری و ترکمانان در ایران

در عهد تیموری و ترکمانان، استفاده از انواع کاشی، با تکنیک‌های اجرایی و تزئینی مختلف، طرح‌ها و نقوش گوناگون گسترش یافت و در فضاهای داخلی و نیز نمای خارجی ابنیه این دوران، به وفور به کار رفت. تکنیک‌های مورد کاربرد در دوران مذکور شامل، معرق، لعاب‌پران، هفت‌رنگ، منقوش زیرلعابی، کاشی تراش شش ضلعی تک‌رنگ، معقلی، زرین‌فام، طلاچسبان، لعاب‌پران، فتیله/پیچ و غیره (تصویر ۱ الف-ه) و یا تلفیقی از این فنون با هم مانند؛ تلفیق کاشی معرق با لعاب‌پران، تلفیق کاشی هفت‌رنگ با کاشی زیرلعابی، تلفیق کاشی هفت‌رنگ با تزئین طلاچسبان و غیره است (تصویر ۲ الف-ب). گاهی تلفیق کاشی با مصالح دیگر همچون آجر، سنگ و گچ همانند تلفیق کاشی معرق با سنگ، تلفیق کاشی معرق با گچ، تلفیق کاشی معرق با آجر تراش، تلفیق کاشی هفت‌رنگ، معرق و آجر تراش و غیره، جهت تزئین سطوح بناها، منبرها، صندوقه‌های قبر، لوح‌های قبر و غیره استفاده می‌شده است (تصویر ۳ الف-ب). فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه، بادمجانی، سبز تیره و روشن، خنایی، عسلی، قهوه‌ای، قرمز آخرای و غیره از جمله رنگ‌هایی است که در لعاب کاشی‌ها بکار برده شده است. هنرمندان در این دوران، علاوه بر استمرار کاربرد برخی طرح‌ها و نقوش گذشته، به کمک استعداد و قریحه پویای خود، در طرح‌ها و نقش‌مایه‌های پیشین نیز، تغییراتی ایجاد نموده‌اند و آنها را، ارتقا بخشیدند و یا اینکه به ویژگی‌های منحصر و متمایزی، برای گروهی از نقش‌مایه‌ها دست یافتند. به عنوان مثال می‌توان از نقوش ختایی (گل‌ها، برگ‌ها و غنچه‌ها) موجود در تزئینات کاشی‌کاری نام برد، که در حاشیه‌های بزرگ و کوچک، زمینه کتیبه‌ها و به صورت منفرد یا دسته‌ای در گلدان‌ها، کاربرد فراوانی داشته است. استفاده از نقوش هندسی در تزئینات کاشی‌کاری بازه زمانی مذکور، از تنوع و فراوانی بسیار برخوردار است. بخشی به صورت طرح‌های هندسی که اغلب در حاشیه‌ها به کار برده شده هستند. گاهی این نقش‌مایه‌های هندسی، خود به مثابه کادری از قبیل مربع، مستطیل، چند ضلعی‌ها و غیره برای قرارگیری نقوش گیاهی، هندسی و کتیبه‌ها، به کار برده شده است و در دیگر نمونه‌ها، اجزای تشکیل‌دهنده گره‌ها، به شمار می‌رود که متناسب با نوع گره، از تنوع فرمی/شکلی بیشتری بهره‌مند هستند. کتیبه‌ها به عنوان یکی از شاخص‌ترین تزئینات این دوران، علاوه بر معنا و مفهوم، دارای ویژگی‌های بصری متعددی از قبیل فرم، ترکیب رنگ متن و زمینه، تلفیق با سایر نقوش (گیاهی و هندسی) و غیره هستند. کتیبه‌ها افزون بر نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی، سهم عمده‌ای در تزئینات کاشی‌کاری، بر عهده دارند و به تقریب در تمامی بخش‌های ابنیه ادوار مذکور، از جمله سردر ورودی، ایوان‌ها، طاق‌نماها، مناره‌ها، محراب‌ها و نیز نمونه‌هایی نظیر صندوقه‌های قبر، منبرها، لوح‌های کتیبه و غیره با خطوط کوفی ساده، تزئینی انواع بنایی، مانند ساده، متداخل/پیچیده، گردان/چرخان، گردان/چرخان گره‌دار، سواد و بیاض/مشکل و اقلام مختلفی همانند ثلث، نسخ، محقق، رقاع، توقیع و غیره نوشته شده است. یکی از شاخص‌ترین قسمت‌های بناهای تاریخی که کاشی‌کاری در آن به خوبی نمود یافته، جان‌پناه‌ها هستند که در اماکن گوناگون، اجرا شده است. در ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، تأکید فراوانی بر جان‌پناه‌ها شده و به صورت گسترده‌ای در بناهای این خطه مورد استفاده قرار گرفته است. جان‌پناه‌های بر جای مانده از ادوار مزبور، با انواع نقش‌مایه‌های هندسی (گره‌ها و نقوش هندسی ساده) مزین شده‌اند که در ادامه، به مطالعه آنها پرداخته می‌شود.

تصویر ۱. کاربرد انواع تکنیک‌های اجرایی و تزئینی کاشی در ابنیه دوره تیموری و ترکمانان (الف) کاشی معرق (نگارنده، ۱۴۰۱) (ب) کاشی منقوش زیرلغابی (صالحی کاخکی، ۱۳۸۴) (ج) تزئین طلاچسبان (د) کاشی لعاب‌پران (ه) کاشی فنیله/ پیچ (نگارنده، ۱۴۰۱)



تصویر ۲. تلفیق فنون مختلف کاشی با هم (الف) تلفیق کاشی معرق با لعاب‌پران (نگارنده، ۱۴۰۱) (ب) تلفیق کاشی هفت‌رنگ با تزئین طلاچسبان (صالحی کاخکی، ۱۳۸۴)

تصویر ۳. تلفیق کاشی با مصالح دیگر (سنگ، آجر) در ابنیه دوره تیموری و ترکمانان (الف) تلفیق کاشی معرق با سنگ (ب) تلفیق کاشی معرق با آجر تراش (صالحی کاخکی، ۱۳۸۵)



۲- تعریف جان‌پناه

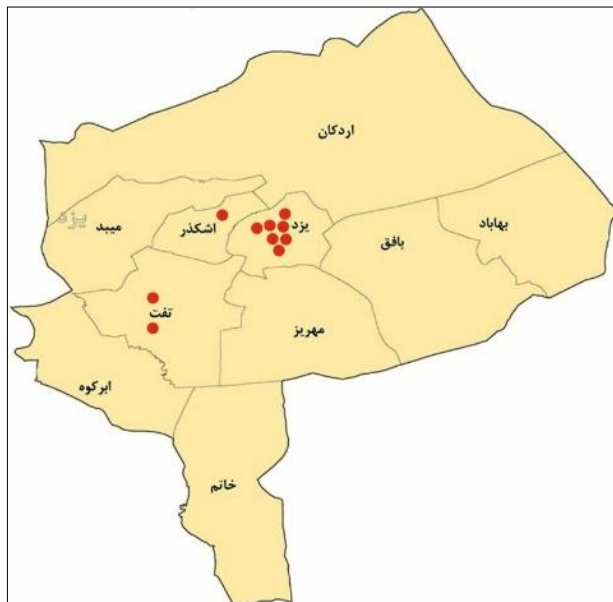
تعاریف متعددی از جان‌پناه‌ها در لغت‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی و همچنین منابع تخصصی معماری گردیده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. جان‌پناه: دیوارک (مرزبان و معروف، ۱۳۷۱، ۲۱۷)؛ جان‌پناه: پناه‌جان، محافظ جان، آنچه جان را نگاهدارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ۷۴۳۲)؛ جان‌پناه: سنگر، پناهگاه، جایی که کسی در پناه آن قرار گیرد و جان خود را از چنگ دشمن حفظ کند (عمید، ۱۳۷۹، ج ۱، ۶۷۲)؛ جان‌پناه: دیواره‌ای که از سقوط اتفاقی ممانعت می‌کند، مانند نرده‌های یک بام یا کناره‌های یک پل، تیرکش دروازه قلعه (اسمیت، ۱۳۸۱، ۶۹)؛ جان‌پناه: پناه‌جان و محافظ جان، موضعی از خاک که سرباز در پناه آن بتواند عملیات نظامی کند، پناهگاه (معین، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۲۱۱-۱۲۱۰)؛ جان‌پناه: نرده یا دیوارکی که بر لبه پرتگاهها مثل لبه بام و لبه پله و لبه ایوان‌های بلند و لبه بالکن‌ها سازند یا مصالح بنایی یا چوب و با ارتفاعی محدود که حداقل ارتفاع آن ۸۰ سانتی‌متر است. جان‌پناه حتی به صورت شبکه آجری یا کاشی نیز اجرا می‌گردد. (فرشته‌نژاد، ۱۳۸۹، ۱۱۳)؛ جان‌پناه: دیوار محافظ کوتاه در لبه‌های پرتگاه مانند لبه بام، بالکن یا تراس (کلارک، ۱۳۸۹، ۲۱۸) و غیره. با توجه به تعاریف فوق، می‌توان به‌طور کلی جان‌پناه را در بناها، دیوارکی کوتاه، برای جلوگیری از سقوط قلمداد نمود که جنبه امنیتی برای بناها داشته است. جان‌پناه‌ها اغلب در طبقه دوم ابنیه و گاهی طبقه اول که تا حدودی با کف ساختمان فاصله دارد به کار می‌رود. جان‌پناه‌ها غالباً با مصالحی مانند چوب، آجر و یا کاشی ساخته و تزئین می‌شوند و در نمونه‌هایی نیز، به صورت مشبک آجری یا کاشی اجرا شده‌اند.

۳- جامعه آماری و پراکندگی آثار دارای جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان در استان یزد

در این پژوهش، به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش و هدف مشخص شده؛ بناهای مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان در کشور، مورد مشاهدات گسترده میدانی و مطالعه کتابخانه‌ای قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه ۸۵ بنا و مجموعه، تنها در ۱۰ بنای استان یزد، در سه شهرستان یزد، اشکذر (روستای بندرآباد) و تفت (شهر تفت و روستای بیدآخوید) جان‌پناه کاشی یافت شد (نقشه ۱). ۹ بنای شناسایی شده شامل «مسجد جامع»

یزد (تصویر ۴ الف) ۲، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۴ ب)، «مسجد سرریگ» یزد (تصویر ۴ ج)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۴ د)، «مسجد جامع آبرندآباد» یزد (تصویر ۴ هـ)، «مسجد سرپُلک» یزد (تصویر ۴ و)، «مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد» اشکذر (تصویر ۴ ز)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۴ ح)، «مسجد جامع بیداخوید» تفت است (تصویر ۴ ط). در «مسجد پیر حسین دامغانی» یزد، طبق برخی منابع، جان‌پناه‌های کاشی نیز وجود داشته که طبق بازدید نگارنده اکنون هیچ جان‌پناه کاشی وجود ندارد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴، ۶۰۳).

نقشه ۱. جامعه آماری و نقشه پراکندگی آثار دارای جان‌پناه کاشی در اینیه دوره
تیموری و ترکمانان استان یزد (نگارنده، ۱۴۰۴)



تصویر ۴. کاربرد جان‌پناه کاشی در ابنیه دوره تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جامع» یزد ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد ج) «مسجد سرریگ» یزد د) «مسجد مصلی عتیق» یزد هـ) «مسجد جامع آبرندآباد» یزد و) «مسجد سرریگ» یزد ز) «مسجد مجموعه سلطان بندرآباد» اشکذر ح) «مسجد شاه ولی» تفت ط) «مسجد جامع بیدخوید» تفت (نگارنده، ۱۴۰۲)

الف)



ب)



ج)



د)



هـ)



و)



ز)



ح)



ط)



۴- مروری اجمالی بر تعریف سبک

طیف وسیعی از تعاریف، در مورد سبک، در فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌ها ذکر شده است که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود. شیوه، سبک (مرزبان و معروف، ۱۳۷۱، ۲۹۱)؛ طرز بیان اندیشه هنرآفرین که هم با چگونگی تفکر و هم با چگونگی تصویرسازی‌های او نسبت مستقیم دارد سبک نام گرفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ۱۳۴۱۲)؛ در فارسی به معنای ریخت، طرز و روش و در اصطلاح شاعران، روش یا شیوه خاص که شاعر یا نویسنده برای بیان مطالب و افکار خود اختیار می‌کند که عبارت از طرز جمله‌بندی و استعمال الفاظ و ترکیبات و چگونگی تعبیر و بیان مضامین است

(عمید، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۱۶۲)؛ در ادبیات، روش یا شیوه‌ای خاص که شاعر یا نویسنده‌ای برای بیان مطالب و اندیشه‌های خویش به کار می‌برد و مشخص اثری ادبی از اثر ادبی دیگر است. نوع الفاظ و ترکیبات و جمله‌بندی و طرز تعبیر معانی مهم‌ترین عوامل در چگونگی سبک یا شیوه‌ای ادبی هر شاعر یا نویسنده است (مصاحب، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۲۵۸)؛ ویژگی‌های ساختاری یک اثر که تعلق آن را به شخص (نویسنده، شاعر، هنرمند و غیره)، مکتب (خراسانی، گوتیک، کوبیسم و غیره) یا دوره‌ی معینی (ساسانی، نوزایی، دهه ۹۰ و غیره) نشان می‌دهد (صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۱، ۷۳۶)؛ سبک یا شیوه‌ی هنری، خصلت‌های صوری و ساختاری شاخص و متمایز در یک اثر یا گروهی از آثار هنری است (سید صدر، ۱۳۸۳، ۳۵۹)؛ شیوه‌ی هنری. خصلت‌های صوری و ساختاری شاخص و متمایز در یک اثر یا گروهی از آثار هنری. لازم است که این ویژگی‌ها از پیوندی درونی و ارتباطی اندام‌وار برخوردار باشند؛ یا به سخن دیگر، باید نشانه‌های بیان یک واحد کامل را عرضه بدارند. به‌طوری‌که وحدت این ویژگی‌های صوری و ساختاری است که سبک را مشخص می‌کند. هر سبک، در اساس خود، نشانی از دوره‌ی تاریخی معین و یا مردمی معین دارد. گاهی، اصطلاح سبک را در مورد سیاق اجرای اثر هنری نیز، به کار می‌برند (پاکباز، ۱۳۸۳، ۲۹۸-۲۹۷)؛ طرز، روش، شیوه همچنین روشی خاص که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می‌کند (معین، ۱۳۸۵، ج ۲، ۱۸۱۸).

سبک در معنی عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، روش و شیوه خاص انجام دادن هر کاری است. به طور مشخص‌تر، سبک در هنر به معنی ویژگی‌هایی است که به بیننده اثر این امکان را می‌دهند تا بین یک اثر و دیگر آثار هنری رابطه برقرار کند؛ یعنی سرفصلی که بتوان آثار هنری را با استفاده از آن، جهت مطالعات گسترده‌تر گروه‌بندی کرد (جنسن، ۱۳۸۷، ۱۷؛ فتوحی، ۱۳۹۲، ۳۴). به بیانی دیگر سبک، به الگوها یا ویژگی‌های متمایز و مشخص چیزی - یا مجموعه‌ای از اشیاء - اطلاق می‌گردد. مردم‌شناسان، باستان‌شناسان، مورخان فرهنگ و اجتماع و مورخان هنر، از سبک برای قرار دادن اشیاء، رفتارها و رخدادها در طرح یا بافتی خاص بهره می‌گیرند. اگر سبک فلان کوزه یا تابلوی نقاشی را بازشناسیم و بتوانیم آن را تبیین کنیم، غالباً می‌توانیم با آگاهی از هویت هنرمند، تاریخ و محل خلق و تولید اثر گمانه‌زنی کنیم. سبک در چنین مفهومی ابزاری است کارآمد که به مورخ امروز امکان می‌دهد رخدادهای گذشته را نظم و ترتیب دهد. چون به نظر می‌آید سبک آیینۀ قامت نمای فرد و فرهنگ باشد، احساس می‌کنیم که می‌توانیم برای تشخیص و تمییز (چیزها/ اشیاء) بدان اعتماد کنیم. سبک شخصی همچون امضاء، به تشخیص فرد بستگی دارد. به هر حال، سبک - مطابق با فهم کلی مورخان هنر و در تداول آنها - از جنبه‌ای فراشخصیتی نیز برخوردار است. همان قدر که گویای کیستی هنرمند است، گوشه‌ای از فرهنگ را نیز نشان می‌دهد. به‌طوری‌که، فلان دوره یا فرهنگ به نوعی می‌تواند خود را در سبک نشان دهد. سبک نوعی الگو یا قالب بصری در بطن اثر هنری است که مورخ هنر از این ابزار برای طبقه‌بندی و تبیین تغییرات سبکی بهره می‌برد (ماینر، ۱۳۸۷، ۲۳۳-۲۲۸). به طور کلی، سبک را می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم نمود. ویژگی‌هایی که آثار را به دوره‌ی زمانی، فرهنگ و تمدن، یا مکتبی خاص مرتبط سازد؛ یعنی طبقه‌بندی بر اساس زمان، مکان و هنرمند را، سبک عام می‌نامند. سبک‌های خاص نیز، ویژگی‌هایی مربوط به هر هنرمند، در مفهوم یک شخصیت منفرد و منحصر به فرد است (جنسن، ۱۳۸۷، ۱۷).

در پاسخ به پرسش سبک چگونه به وجود می‌آید؟ می‌توان پاسخ داد که سبک در بطن اثر هنری قرار دارد و حاصل فرم، خط، فضا و رنگ است و صرفاً در انتظار منتقد خوش ذوق و با قریحه‌ای است که کشفش کند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت، سبک را مورخان هنر وضع نموده‌اند و ما زبان سبک را ایجاد کرده و الگوهای آن را تعیین می‌کنیم (ماینر، ۱۳۸۷، ۲۲۷). زمان آفرینش هر اثر هنری، پیوندی فشرده با شکل ظاهر آن، یا در یک کلام با سبک آن دارد. به بیان دیگر، سبک هر اثر هنری، تابعی از دوره‌ی تاریخی آن اثر است. تاریخ‌نگاری هنر با تفکیک آثار متعلق به معماری، پیکرتراشی، نقاشی به چندین سبک بر پایه شباهت‌های موجود میان آنها و زمان یا دوره‌های آفرینش آنها به حیات خویش ادامه می‌دهد. مطابق یکی از فرض‌های بنیادی تاریخ هنر، آثاری که در یک زمان و البته در یک مکان آفریده شده باشند، عموماً دارای ویژگی‌های سبک واحدی خواهند بود. البته کل تاریخ‌نگاری بر این اعتقاد است که ماهیت رویدادها از همان زمانی نشأت می‌گیرد که در آن به وقوع می‌پیوندد. می‌توانیم چنین فرض کنیم که هنرمندان هر عصری، در آثارشان، مفهومی را بیان می‌کرده‌اند که به گونه‌ای برای خود ایشان و دیگران قابل درک بوده است. مفهوم مزبور را فقط در صورتی می‌توانیم درک کنیم که اثر مجسم کننده‌اش را با دیگر آثار مشابهی که تقریباً در همان زمان آفریده شده باشند مقایسه کنیم. برای آثاری که بدین طریق طبقه‌بندی می‌شوند می‌توانیم به گونه‌ای اشتراک معنی و شکل قائل شویم؛ در چنین حالتی است که حدود این یا آن سبک را مشخص می‌کنیم. در سلسله آثاری که به ترتیب تاریخی از پی هم آفریده شده و دارای ویژگی‌های مشترکی از لحاظ سبک باشند، می‌توان به وجود پاره‌ای تفاوت‌ها در سبک آنها نیز پی برد. مورخ هنر، این پدیده را بازتابی از یک تکامل تدریجی یا پیشرفت کیفی می‌داند (دلاکروا و تنسی، ۱۳۷۹، ۱۳). با

آنکه روش بنیادی طبقه‌بندی آثار هنری بر تشخیص زمان آفرینش آنها استوار است، طبقه‌بندی بر حسب مکان آفرینش نیز اهمیت دارد. در بسیاری از دوره‌ها، یک سبک عمومی گونه‌های منطقه‌ای بسیار متفاوتی پیدا می‌کند. بدین‌سان، تکمیل کردن زمان آفرینش با مکان آفرینش، بُعد دیگری بر روند تکامل سبک‌ها می‌افزاید. البته هنرمند بُعد سوم را در تاریخ هنر تشکیل می‌دهد. نخستین «تاریخ‌های هنر» که پیش از ظهور مفاهیم امروزی سبک و تکامل سبک‌ها نوشته می‌شدند، چیزی جز زندگینامه‌های هنرمندان نبودند. زندگینامه به عنوان یک بُعد، همچنان اهمیت دارد زیرا با مطالعه آن می‌توانیم تکامل سبک‌ها را در جریان زندگی هنری هنرمندان ردیابی کنیم. از منابع هم‌زمان تاریخی، اسنادی چون قراردادهای اجرای ماموریت‌های هنری، یادگارهای ادبی و غیره مربوط به هنرمندان نیز می‌توانیم اطلاعات بسیاری به دست آوریم. تمامی این‌ها در تبیین آثار ایشان نیز به کار می‌آید. رابطه هنرمندان با اسلاف، هم‌عصران، و پیروانشان، با عبارات تأثیر و مکتب قابل توصیف هستند: همه هنرمندان به احتمال قوی تحت تأثیر استادان خویش بوده‌اند و پس از ایشان بر شاگردان خویش که تقریباً با همان سبک و در همان زمان و مکان کار می‌کرده‌اند تأثیر گذارده‌اند یا از ایشان تأثیر گرفته‌اند (همان، ۱۴-۱۵).

در معماری، هر گونه سبکی نو، به شکلی تدریجی از سبک قبلی به وجود آمده است، زیرا ساختمان‌هایی نو، مواد و مصالح جدید، وظایفی نو برای انسان و مفهوم‌هایی نو، خواستار دگرگونی‌ها و تطبیق‌هایی متفاوت نسبت به آنچه از پیش بوده، می‌شوند. به بیانی دیگر سبک در معماری؛ عنصر متمایز کننده طرح، که بیانی ملموس و عنصری متمایزکننده ویژگی زبانشناختی اندیشه معمارانه است (فلامکی، ۱۳۷۶، ۵۴). سبک معماری بازتاب و تبلور تحولات در بطن جامعه و یک شیوه خاص تفکر نسبت به طرح معماری است. یک جریان فکری و هنری است که بر اساس خصوصیات و مقتضیات یک جامعه در هر دوره شکل می‌گیرد و انعکاس تفکرات و تحولات اجتماعی در کالبد معماری است. در نتیجه، نحوه نگرش به عوامل مختلف در طراحی مانند اقلیم، تاریخ، مذهب، بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، سنت و غیره در سبک‌های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارد. سبک‌های معماری و ساختمان‌های شاخص در هر سبک، روند و روش‌های جدید و گزینه‌های جایگزین در معماری متداول را مشخص می‌کنند و نهایتاً بر روش‌ها و شیوه‌های مرسوم تأثیرگذار خواهند بود (قبادیان، ۱۳۹۲، ۴۰۰). برخی پژوهشگران، با تطبیق و مقایسه تصاویر، الگوها، شباهت‌ها و اختلاف‌های آثار هنری را کشف کردند و از طریق همین خصوصیات است که می‌توان درباره تک‌تک هنرمندان، سبک‌های منطقه‌ای و دوره‌ای به دیدی کلی دست یافت (مایر، ۱۳۸۷، ۲۰۶).

هرچند تعاریف مختلفی برای سبک وجود دارد به نظر نمی‌رسد در مفهوم آن اختلاف نظری اساسی در میان باشد. هر یک از تعاریف بالا را می‌توان وجهی از مفهوم سبک به شمار آورد. اگر بخواهیم به زبان ساده سبک را در عام‌ترین معنا تعریف کنیم می‌توان آن را الگوها یا صفات متمایز و مشخص چیز یا مجموعه‌ای از اشیاء دانست. این الگوها یا صفات مشخص را مشخصات یا صفات سبک می‌خوانیم (صحراگرد، ۱۳۹۳، ۱۰۳). صفات مشترک آثار یک دوره مشروط بر استمرار ریخت‌شناسانه این صفات در دوره‌ای خاص صفات سبک آن دوره است. به سخن دیگر، برای سبک دوره، باید در جستجوی صفاتی بود که در گروهی از آثار-از آغاز تا پایان دوره-استمرار داشته باشد. ممکن است آثار تولید شده در یک مقطع زمانی مشخص، دارای صفات مشترک زیادی باشند، اما فقط آن مشخصاتی صفات سبک دوره به شمار می‌روند که از آغاز تا پایان دوره در گروه قابل توجهی از آثار استمرار داشته است. حال می‌توان گفت مجموعه صفات مشترک آثار یک هنرمند سبک آن هنرمند است و صفات مشترک سبک هنرمندان یک منطقه یا یک دوره نیز سبک آن منطقه یا دوره است (همان، ۱۲۱-۱۲۰). استان یزد یکی از مناطقی است که می‌توان ویژگی‌های شاخصی که معرف سبک رایج منطقه‌ای در کاشی‌کاری‌ها و همچنین جان‌پناه‌های کاشی به لحاظ طرح‌ها و نقوش هندسی است را مشاهده نمود به نحوی که این شاخصه‌ها، در دیگر مناطق کشور در دوران تیموری و ترکمانان سایر استانها و مناطق کشور دیده نشده است (راشدنیا، ۱۴۰۳، ۵۸۱-۵۷۸).

۵- طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان استان یزد

جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان در استان یزد، با کاشی معرق، به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه، سبز و عسلی، انجام شده‌اند. جان‌پناه‌های کاشی دوران مذکور استان یزد، در این مقاله، به دلیل عدم کاربرد نقوش گیاهی، فقط از نظر طرح‌ها و نقوش هندسی، در مرکز/زمینه و حاشیه آنها، بررسی و دسته‌بندی می‌شوند.

۵-۱. طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان استان یزد براساس نقوش هندسی

جان‌پناه‌ها در این مقاله، نخست از حیث نقش هندسی، در مرکز/زمینه و سپس در حاشیه آنها، طبقه‌بندی و آثار و شواهد هر کدام، برشمرده خواهد شد.

۵-۱-۱. نقوش هندسی در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها

در تمامی نمونه‌های به‌جامانده، مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها با گره کار شده است. بر اساس مصادیق موجود از جان‌پناه‌های کاشی ابنیه عهد تیموری و ترکمانان استان یزد، تنها از دو گره «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری» و «شش و شمسه ترنج‌دار»، در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها استفاده کرده‌اند. در واقع از الگویی تقریباً واحد در استفاده از طرح‌ها و نقوش هندسی پیروی کرده‌اند. در ادامه هر یک از نقوش‌های هندسی مذکور، به اجمال معرفی و شواهد تصویری از هر کدام آورده می‌شود.

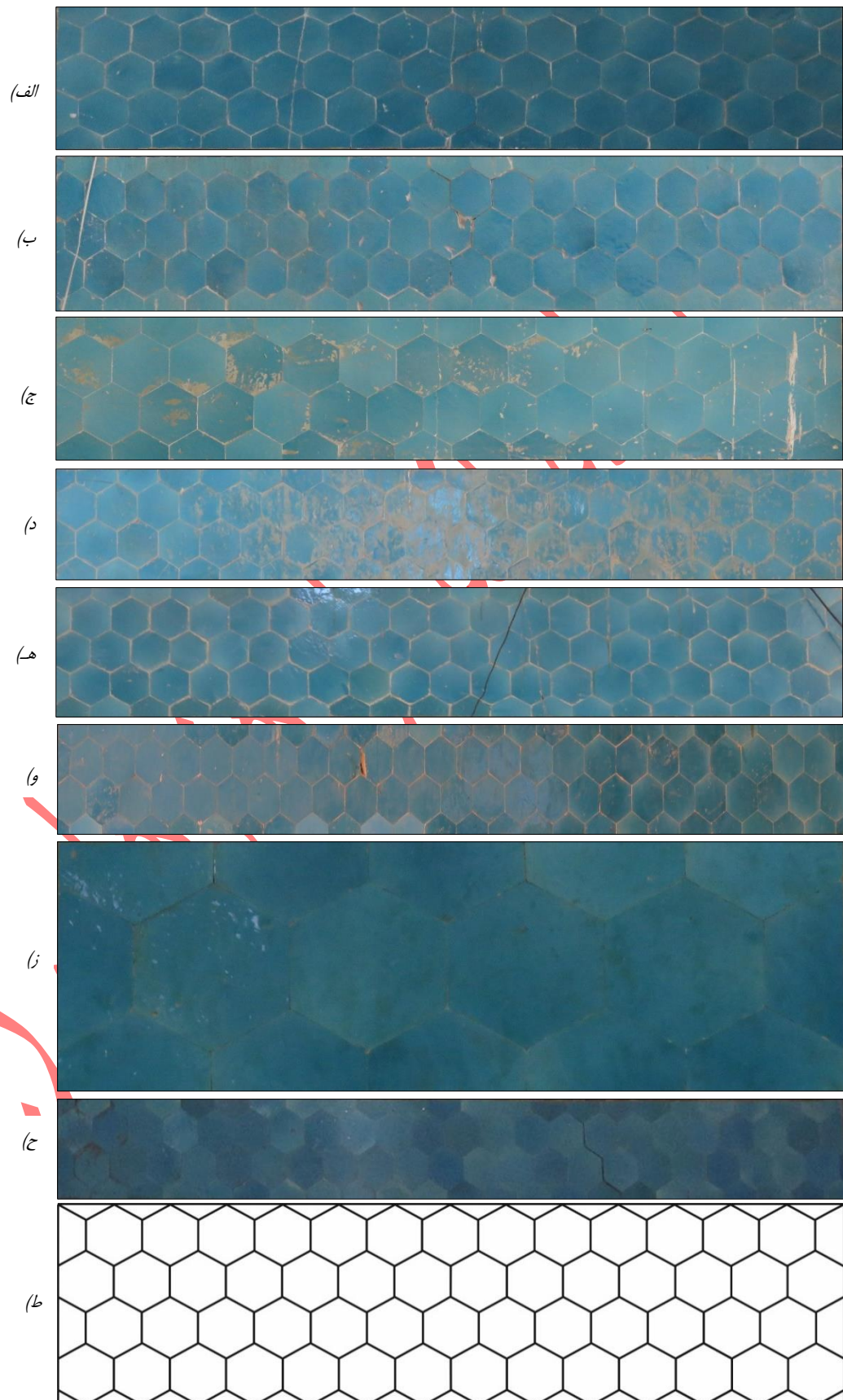
۵-۱-۱-۱. نقش/گره «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری»

نقش «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری» که براساس عدد مبنای شش است، با کاشی تراش فیروزه‌ای رنگ، در اغلب نمونه‌های بر جای مانده از جان‌پناه‌های ابنیه دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، به کار رفته است. در اماکن تاریخی استان یزد، از قبیل: «مسجد پیرحسین دامغانی» یزد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴، ۶۰۳)، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۵ الف)، «مسجد سرریگ» یزد (تصویر ۵ ب)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۵ ج)، «مسجد جامع آبرندآباد» یزد (تصویر ۵ د)، «مسجد سرپلک» یزد (تصویر ۵ هـ)، «مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر» (تصویر ۵ و)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۵ ز)، «مسجد جامع پیداخوید» تفت (تصویر ۵ ح)، از این گره بهره فراوانی برده‌اند (تصویر ۵ ط)، به‌طوری‌که به الگوی رایج در تزئین جان‌پناه‌های بناهای این منطقه تبدیل شده است. نکته قابل توجه در مورد این نقش اینکه، تمامی نمونه‌های بررسی شده، با رنگ لعاب فیروزه‌ای اجرا شده است. گره «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری» که از گره‌های متداول دوره تیموری و ترکمانان محسوب می‌شود، علاوه بر کاربرد در مرکز/زمینه جان‌پناه‌ها، به وفور به رنگ فیروزه‌ای در آزاره‌های ابنیه این استان نیز، کار شده است (راشدنیا و صالحی کاخکی، ۱۴۰۲، ۸۹).

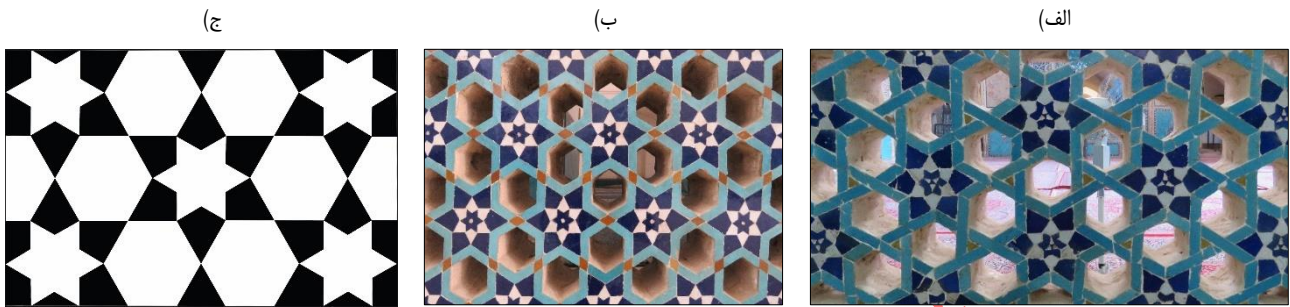
۵-۱-۱-۲. نقش/گره «شش و شمسه ترنج‌دار»

گره «شش و شمسه ترنج‌دار»، نیز بر پایه عدد مبنای شش ترسیم شده است (تصویر ۶ الف - ج). این نقش تنها در مرکز/زمینه جان‌پناه‌های دو بنای «مسجد جامع» یزد (تصویر ۶ الف) و «مسجد جامع امیر چخماق» یزد مشاهده می‌شود (تصویر ۶ ب). لازم به ذکر است که در هر دو مسجد، جان‌پناه‌ها، با کاشی معرق و به صورت مُشبک، با رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید و عسلی هستند^۴.

تصویر ۵. کاربرد گره «شش ضلعی منتظم/ شش لانه زنبوری» با کاشی تراش فیروزه‌ای در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد (الف) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد ب) «مسجد سرریگ» یزد ج) «مسجد مصلی عتیق» یزد د) «مسجد جامع آبرندآباد» یزد هـ) «مسجد سرپلک» یزد و) «مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکدر ز) «مسجد شاه ولی» تفت ح) «مسجد جامع پیداخوید» تفت ی) ط) طرح خطی گره (نگارنده، ۱۴۰۲)



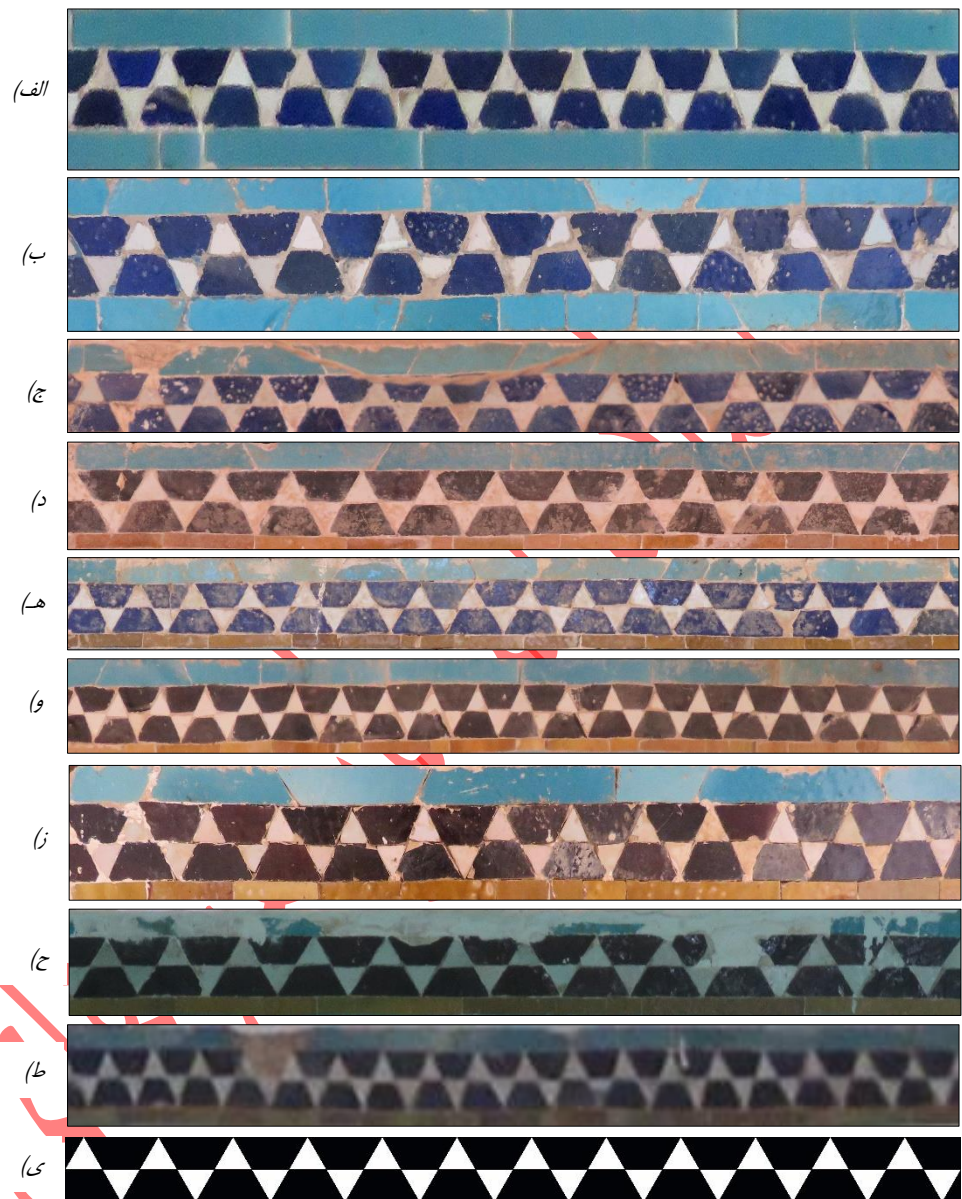
تصویر ۶. کاربرد نقش «شش و شمسه ترنج‌دار» در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد الف) «مسجد جامع» یزد ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد ج) طرح خطی گره (نگارنده، ۱۴۰۲)



۲-۱-۵. نقوش هندسی در حاشیه جان‌پناه‌ها

اطراف جان‌پناه‌ها، با حاشیه‌ای نسبتاً باریک از نقوش هندسی شامل گره، تکرار نقش مایه‌های ساده هندسی و یا نواری ساده و بدون نقش، تشکیل شده است. حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، با گره «شش و تکه» احاطه گردیده است. از میان ۱۰ بنای دارای جان‌پناه کاشی استان یزد، گره «شش و تکه»، در حاشیه تمامی نمونه‌های جامعه آماری، اجرا شده است. «مسجد پیرحسین دامغانی» یزد (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴، ۶۰۳)، «مسجد جامع» یزد (تصویر ۷ الف)، «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (تصویر ۷ ب)، «مسجد سرریگ» یزد (تصویر ۷ ج)، «مسجد مصلی عتیق» یزد (تصویر ۷ د)، «مسجد جامع آبرندآباد» یزد (تصویر ۷ هـ)، «مسجد سرپلک» یزد (تصویر ۷ و)، «مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر» (تصویر ۷ ز)، «مسجد شاه ولی» تفت (تصویر ۷ ح)، «مسجد جامع بیداخوید» تفت (تصویر ۷ ط)، شواهدی هستند که می‌توان برشمرد (تصویر ۷ ی). در «مسجد جامع» یزد علاوه بر، کاربرد گره «شش و تکه»، حاشیه برخی از جان‌پناه‌ها، از طرح‌های هندسی که از چیدمان دو نقش مایه ساده هندسی مانند تکرار «چهارلنگه و بیضی» شکل یافته است (تصویر ۸ الف - ب). در «مسجد سرریگ» یزد، افزون‌بر استفاده از گره «شش و تکه»، از نواری باریک ساده و بدون نقش، به رنگ لاجوردی، در حاشیه بعضی جان‌پناه‌های مسجد مذکور به کار رفته است (تصویر ۸ ج). حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، چون اغلب حاشیه ازاره‌ها و شبک‌های عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، با گره «شش و تکه» کار شده است (راشدنیا و صالحی کاخکی، ۱۴۰۳، ۵۵) و به الگویی متداول، در حاشیه جان‌پناه‌های این ناحیه تبدیل شده است و از وجود سبکی خاص در این منطقه حکایت می‌کند.

تصویر ۷. کاربرد گره «شش و تکه» در جان‌پناه‌های ابنیه عصر تیموری و ترکمانان استان یزد (الف) «مسجد جامع» یزد (ب) «مسجد جامع امیر چخماق» یزد (ج) «مسجد سرریگ» یزد (د) «مسجد مصلی عتیق» یزد (ه) «مسجد جامع آبرندآباد» یزد (و) «مسجد سرپلک» یزد (ز) «مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکدر (ح) «مسجد شاه ولی» تفت (ط) «مسجد جامع بیداخلوید» تفت (ی) طرح خطی گره (نگارنده، ۱۴۰۲)

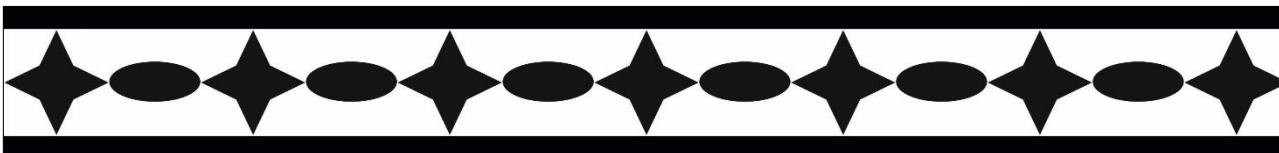


تصویر ۸. الف) کاربرد طرح هندسی «چهار لنگه و بیضی» در حاشیه برخی از جان‌پناه‌های «مسجد جامع» یزد (ب) طرح خطی طرح هندسی «چهار لنگه و بیضی» (ج) کاربرد حاشیه باریک ساده و بدون نقش در جان‌پناه «مسجد سرریگ» یزد (نگارنده، ۱۴۰۲)

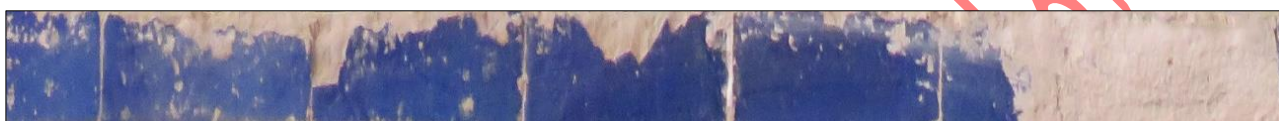
(الف)



(ب)



(ج)



۶. جمع‌بندی و تحلیل یافته‌ها

گاهی سبک محلی / منطقه‌ای در یک منطقه خاص و مشخص به اجرا درآمده است و هنگامی محدوده جغرافیایی گسترده‌تری را دربردارد. به عنوان مثال وجود جان‌پناه‌های کاشی در دورانی مشخص و همچنین برخی نقوش هندسی که به کرات تکرار شده است، همگی به یک ناحیه تعلق دارد. این امر نشان‌دهنده آن است که منطقه مذکور، از سبکی محلی برخوردار بوده و احتمالاً بنابر سفارش بانیان و هنرمندان محلی، به خلق آثاری که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است مبادرت نموده‌اند. شاخص‌ترین این ویژگی‌ها، کاربرد گسترده نقوش هندسی از جمله گره «شش ضلعی منتظم / شش لانه زنبوری» در مرکز / زمینه و «شش و تکه» در حاشیه جان‌پناه‌های کاشی است. براساس شواهد موجود که در متن مقاله بدان‌ها اشاره شد، جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان در استان یزد، خاص این منطقه است و در سایر نقاط کشور نمونه مشابهی یافت نشد. با وجود اینکه در قلمرو شرقی ایران و همچنین دیگر نواحی کشور در ادوار مذکور، تزیینات کاشی‌کاری بی‌نظیری وجود دارد، اما هیچ‌کدام دارای جان‌پناه‌های کاشی نیستند و در صورت وجود، دارای تزئین کاشی نیستند. این نوع تزئین، در ابنیه منطقه یزد مشاهده می‌شود و یک الگوی رایج در بخشی از تزیینات بناهای این خطه بوده است. عدم وجود آن، در دیگر نقاط قلمرو تیموری و ترکمانان در ایران، می‌تواند دلیلی باشد بر سبک محلی این نوع تزئین که در یک برهه زمانی و یک ناحیه قرار دارند. علاوه بر این، محدود بودن این دسته از تزیینات، به منطقه‌ای ویژه (استان یزد)، می‌تواند نشان‌دهنده الگوها و روش‌های تزیینی مشترکی باشد که معمولاً در هر دوره تاریخی و در یک محدوده خاص، مورد علاقه و توجه سازندگان، بانیان و سفارش‌دهندگان آثار هنری بوده است. از بررسی‌های انجام شده و شواهد موجود درمی‌یابیم که ظاهراً هنرمندان محلی / بومی، بیشتر از سایر هنرمندان کشور در ساخت جان‌پناه‌های کاشی منطقه یزد، در ادوار تیموری و ترکمانان مشارکت داشته‌اند. امری که سبب ایجاد و تعدد جان‌پناه‌های کاشی و مشابهت‌های بسیاری در طرح‌ها و نقوش هندسی در این آثار شده و حاکی از سبکی محلی / منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری

با بررسی مصادیق موجود از جان‌پناه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان استان یزد، مشخص گردید که در مرکز / زمینه و نیز حاشیه آنها، تنها نقش‌مایه‌های هندسی، استفاده شده است. در مرکز / زمینه جان‌پناه‌ها، دو گره «شش ضلعی منتظم / شش لانه زنبوری» و «شش و شمسه ترنج‌دار» به کار رفته است. بیشترین پوشش سطوح جان‌پناه‌ها در این ادوار همانند ازاره‌ها، به گره «شش ضلعی منتظم / شش لانه زنبوری» اختصاص دارد. گره مذکور با کاشی تراش فیروزه‌ای، در مرکز / زمینه جان‌پناه‌های ۱۰ بنای استان، کار شده است. نقشی که ترسیم آن ساده‌تر از سایر نقوش بوده و می‌توان راحت‌تر از سایر نقش‌ها، قطعات آن را تهیه نمود، بنابراین در مقیاس گسترده و در جان‌پناه‌های ابنیه بیشتری از این استان، در ادوار تیموری و ترکمانان، بکار برده شده است. در «مسجد جامع» یزد و همچنین برخی جان‌پناه‌های «مسجد جامع امیرچخماق» یزد، از گره «شش و شمسه ترنج‌دار»، در مرکز /

زمینه آنها، استفاده شده است. حاشیه‌ها در بیشتر جان‌پناه‌ها، چون اغلب حاشیه‌ی ازاره‌ها و شبک‌های عصر تیموری و ترکمانان استان یزد، با گره «شش و تکه»، به اجرا درآمده است. در موارد محدودی، حاشیه بعضی جان‌پناه‌ها، از طرح‌های هندسی که از تکرار دو نقش مایه ساده هندسی مانند «چهارلنگه و بیضی» و یا حاشیه باریک ساده و بدون نقش، تشکیل شده است. با پژوهش‌های انجام یافته مشخص شد که کاربرد جان‌پناه‌های کاشی، فقط محدود به بناهای سه شهر یزد، اشکذر (روستای بُندرآباد)، تفت (شهر تفت و روستای بیداخوید)، در استان یزد می‌شود. به‌طوری‌که در ابنیه تیموریان و ترکمانان سایر استان‌های کشور، جان‌پناه‌های کاشی وجود ندارد. افزون‌براین، تقریباً تمامی جان‌پناه‌ها هم در مرکز/زمینه و همچنین در حاشیه، دارای ویژگی‌های تزئینی مشترکی در طرح و نقش هستند. همگی نمونه‌ها در مرکز/زمینه، با نقش‌های هندسی بر پایه عدد مبنای شش از قبیل «شش ضلعی منتظم/شش لانه زنبوری»، «شش و شمسه ترنج‌دار» و در حاشیه‌ها غالباً با گره «شش و تکه» ترسیم شده‌اند. بنابراین بناهای استان یزد از یک سو از نظر دارا بودن جان‌پناه‌های کاشی و از سوی دیگر، به دلیل کاربرد نقش‌مایه‌های هندسی مشترک که تقریباً در تمامی آنها وجود دارد، از رواج و استمرار یک سبک محلی حاکم بر منطقه مذکور، دلالت دارد. سبکی که آثار و شواهد آن، در بازه زمانی مورد مطالعه، تنها در این استان، قابل پی‌جویی است و تأثیرات فرهنگ بومی نیز در آنها آشکار است.

سپاسگزاری

در پایان لازم است تا از همکاری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد، همچنین راهنمایی‌های ارزشمند آقای دکتر احمد صالحی کاخکی و داوران ناشناس نشریه که با توصیه‌های ارزنده خویش، باعث بهبود کیفیت این پژوهش شدند قدردانی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. دوره ترکمانان مصادف با تیموریان و مراکز فرهنگی مانند هرات، سمرقند و مشهد است. ترکمانان از نظر حکومتی و سیاسی، تا حدودی مستقل از تیموریان، اما از حیث معماری، تزئینات معماری و سایر هنرها، وابسته به مناطق تیموری بوده‌اند. بنابراین مبحث مربوط به تزئینات معماری و هنرهای این دوران مانند کتاب‌آرایی، فلزکاری و غیره در زیر عنوان هنر عصر تیموری، موردبررسی قرار می‌گیرد. آثار معماری شاخص و تأثیرگذار دوره ترکمانان راه عمدتاً در تبریز و مرکز ایران؛ به‌ویژه شهر اصفهان، می‌توان دید ولی چون آثار این عصر، در قالب دوره تیموری بررسی شده است، لذا چندان تفکیک‌پذیر نیست. بنابراین؛ در بررسی آثار به‌جای‌مانده از ترکمانان، صرفاً واقع بودن در نواحی مربوط به جغرافیای سیاسی-تاریخی ترکمانان، معیار تشخیص تزئینات کاشی‌کاری نیست، بلکه هر اثر، تحت عنوان کلی «تیموری و ترکمانان»، بررسی می‌شود.

۲. طبقه‌بندی جان‌پناه‌های کاشی بناهای دوره تیموری و ترکمانان در استان یزد، بر پایه مشاهدات عینی (میدانی) و اطلاعات کتابخانه‌ای گردآوری شده توسط نگارنده، صورت پذیرفته است، بنابراین این احتمال وجود دارد که نمونه یا نمونه‌های مستند دیگری، در حوزه جان‌پناه‌های کاشی اماکن تاریخی بازه زمانی مذکور در استان یزد، به جامعه آماری این پژوهش نیز اضافه گردد. ازاین‌رو طبقه‌بندی انجام شده، ممکن است با ارائه نمونه‌های جدیدتری در این حیطه، تکمیل یا تصحیح گردد.

۳. عکاسی تمامی نمونه‌های مورد مطالعه در استان یزد، ماحصل مشاهده نزدیک نگارنده، از بناهای تاریخی است.

۴. لازم به ذکر است که در وهله نخست، تعبیه جان‌پناه در بناها، جنبه امنیتی داشته است. یعنی اینکه جان‌پناه باید از استحکام و امنیت کافی برخوردار باشد و در مرحله بعد جنبه زیبایی آن مطرح بوده است. بنابراین کاربرد نقش‌مایه‌های هندسی در نمونه‌های مُشَبَّک مانند «مسجد جامع» و «مسجد جامع امیر چخماق» یزد، که بر پایه عدد مبنای شش هستند، می‌تواند جنبه فنی و مهندسی هم داشته باشد. نخست اینکه باعث عبور هوا و نور برای جلوگیری از ریزش دیواره و دیگر اینکه چیدمان قطعات در کنار هم، ایستایی لازم راه، برای جان‌پناه‌ها ایجاد می‌کند.

فهرست منابع

- اسمیت، ادوارد لوسی (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات هنری. ترجمه فرهاد گشایش (ویرایش ۲). عفاف.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴). یادگارهای یزد معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی خاک یزد (ویرایش ۱، جلد ۲). انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، خانه کتاب یزد.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۳). دایره‌المعارف هنر (تقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک) (ویرایش ۴). فرهنگ معاصر.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳). تاریخ یزد. به کوشش ایرج افشار (ویرایش ۱). علمی و فرهنگی.
- جنسن، چارلز (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی. ترجمه بتی آواکیان (ویرایش ۲). سمت.

- خادم‌زاده، محمد حسن (۱۳۸۹). معماری دوره آل مظفر یزد (ایلخانی و تیموری) با نگاهی به بناهای عصر تاتاریان. با همکاری مجید علومی و الهه الوندیان خاکباز (ویرایش ۱). هم‌پا، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- خاکباز الوندیان، الهه (۱۳۹۳). روند مرمت منبر کاشی‌کاری مجموعه سلطان بندرآباد یزد. نشریه اثر، ۳۵ (۶۷)، ۱۵-۳۲.
- <https://journal.richt.ir/athar/article-1-82-fa.html>
- دلاکروا، هورست؛ تنسی، ریچارد. ج (۱۳۷۹). پیشگفتار در: هنر در گذر زمان، هلن گاردنر، ترجمه محمدتقی فرامرزی (ویرایش ۵). آگاه، ۱۱-۱۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (جلدهای ۵، ۱۰). دانشگاه تهران.
- راشدنیا، زهرا؛ صالحی کاخکی، احمد (۱۴۰۲). مقایسه نقوش هندسی ازاره‌های کاشی‌آینه دوره تیموری ایران با ازاره‌های موجود در نگاره‌های نسخ خطی مصور هم‌زمان. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۲۸ (۲)، ۸۵-۹۶. <https://doi.org/10.22059/JFAVA.2023.351693.667015>
- راشدنیا، زهرا؛ صالحی کاخکی، احمد (۱۴۰۳). طبقه‌بندی شبک‌های کاشی بناهای دوره تیموری و ترکمانان استان یزد بر اساس قاب‌بندی و نقش. نشریه جلوه هنر، ۱۶ (۴۵)، ۴۹-۶۲. <https://doi.org/10.22051/JJH.2024.46193.2114>
- راشدنیا، زهرا (۱۴۰۳). شناخت ویژگی‌ها و طبقه‌بندی تزئینات کاشی‌کاری در بناهای دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی (با تأکید بر استان یزد) [رساله دکتری، دانشگاه هنر اصفهان]. اصفهان.
- سید صدر، ابوالقاسم (۱۳۸۳). دایره‌المعارف هنر: سبک‌ها، شیوه‌ها، هنرمندان، مکاتب هنر، هنرها، موسیقی، صنایع دستی و سایر مباحث بنیادین (ویرایش ۱). سیمای دانش.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۳). تبیین مبانی بومی برای طبقه‌بندی تاریخ خوشنویسی ایران [رساله دکتری، دانشگاه شاهد تهران]. تهران.
- صدری افشار، غلام‌حسین؛ حکمی، نسرین و حکمی، نسترن (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی (ویرایش ۴). فرهنگ معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی (ویرایش ۲۲، جلد ۱ و ۲). امیرکبیر.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۲). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها (ویرایش ۱). سخن.
- فرشته‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۹). فرهنگ معماری و مرمت معماری (ویرایش ۱). ارکان دانش.
- فلامکی، منصور (۱۳۷۶). تدوین شکل و دشواریهای معماری معاصر ایران. هنرهای زیبا، ۲ (۲)، ۵۸-۵۲.
- https://journals.ut.ac.ir/article_17146.html
- قبادیان، وحید (۱۳۹۲). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران (ویرایش ۱). موسسه علم معمار رویال.
- کلارک، مایکل (۱۳۸۹). فرهنگ فشرده اصطلاحات هنر آکسفورد. ترجمه الهام رضایی (ویرایش ۱). تهران.
- ماینر، ورنون هاید (۱۳۸۷). تاریخ تاریخ هنر (سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر)، ترجمه مسعود قاسمیان (ویرایش ۱). فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران؛ سمت.
- مرزبان، پرویز؛ معروف، حبیب (۱۳۷۱). فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (ویرایش ۲). سروش.
- مزیدی شرف‌آبادی، مجید (۱۳۹۷). بررسی تزئینات مجموعه سلطان بندرآباد یزد و کاربرد آن در گرافیک معاصر [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس]. تهران.

- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف فارسی* (ویرایش ۳، جلد ۱). امیرکبیر؛ کتاب‌های جیبی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی* (ویرایش ۲۳، جلد‌های ۱ و ۲). امیرکبیر.
- ویلبر، دونالد؛ گلمیک، لیزا (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی (ویرایش ۱). سازمان میراث فرهنگی.

آماده انتشار فرهنگی دینا

The Study of Tile Shelters of Timurid and Turkmen Period Buildings in Yazd Province based on Geometric Pattern and Motif

Abstract

During the Timurid and Turkmen periods, Yazd province witnessed unique examples of tile decorations called shelters. So that these shelters have common characteristics in terms of the patterns and motifs used in their center/background and borders, which emphasizes the uniqueness of the named decoration in this region of the country during the mentioned periods. For this reason, it is possible to identify and classify this category of decorations and also to understand the local style in the Yazd region during the period under study. Therefore, this article introduces and classifies the tile shelters used in buildings of the aforementioned period in Yazd province based on their geometric Pattern and Motif. It also aims to achieve some of the characteristics of the local/regional style of tile decoration in Yazd. During the review of the motifs found in tilework, the execution technique, colors, etc. are also briefly mentioned. Therefore, the main research question can be posed as follows: What are the most common geometric Patterns and Motifs of the tile shelters of buildings from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province? The present study is based on a method of descriptive-analytical research and a qualitative data analysis and interpretation method. The research methodology of gathering information and data is documentary and based on extensive field observations, including visiting buildings, taking pictures of tile shelters, and drawing some samples with various software such as CorelDraw, Photoshop, etc. The statistical population of this study includes all tile shelters from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province, which include ten buildings. Therefore, first the findings are presented and then the introduction and classification of the tile shelters of the buildings of this time period in Yazd province are discussed. The results of this research indicate that examining the existing examples of tile shelters from the Timurid and Turkmen periods in Yazd province, it was determined that only geometric motifs were used in their center/background and borders. The tile shelters of the mentioned eras of Yazd province can be classified into two major groups, "regular hexagonal" and "Six and roundel Jointed Toranj" in terms of the geometric motifs of the center/background. The borders are designed with geometric patterns and motifs, such as simple border without motif, "quatrefoil and ellipse" and "Six and Triangle" knot. The "regular hexagonal" knot is the most common geometric motif used in the center/background of the shelters. The borders in most of the shelters are made with the "Six and Triangle" knot. In a limited number of cases, the borders of some shelters consist of geometric designs consisting of the repetition of two simple geometric motifs, such as "quatrefoil and ellipse" or a simple, narrow border without motifs. Therefore, the buildings of Yazd province can be indicative of a local style, from one side, in terms of having shelters and on the other hand, due to the use of common geometric motifs in them. A style whose works and evidence can only be traced in this province during the period under study.

Keywords: Timurid and Turkmen period, Tile Shelter, Geometric Pattern and Motif, Yazd Province, local style